



## بررسی ابعاد و آثار کرامت انسان از دیدگاه

### امام رضا (علیه السلام) و مکاتب روان‌شناسی

دریافت: ۱۳۹۵/۶/۲ پذیرش: ۱۳۹۵/۸/۱۹

رحیم بدری گرگری<sup>۱</sup>، امید ابراهیمی<sup>۲</sup>، دل آرام محمدی<sup>۳</sup>

#### چکیده

شناخت جایگاه انسان و بررسی ابعاد و ویژگی‌های مختلف او یکی از موضوعات محوری در تعالیم ادیان آسمانی - به‌ویژه اسلام - و مکاتب بشری شمرده شده و تلاش‌ها و راهکارهای فراوانی برای رسیدن او به سعادت نهایی‌اش که در گرو کرامت و عزت است، صورت گرفته است؛ کرامت به‌معنای شرافت، عزت و ارجمندی، که محل بحث و نقطه برخورد دین مبین اسلام با علوم بشری است. هدف پژوهش حاضر بررسی ابعاد و آثار کرامت انسانی در سیره امام رضا (علیه السلام) و روان‌شناسی بود که تلاش شد با استفاده از اسناد و منابع کتابخانه‌ای و به روش توصیفی - تحلیلی، از نوع تحلیل محتوا، کرامت انسانی از منظر هر دو دیدگاه بررسی شود. نتایج پژوهش نشان داد، از دیدگاه امام رضا (علیه السلام) خاستگاه کرامت انسانی، ذاتی و وابسته به روح الهی بوده، جهت‌گیری معنوی و متعالی داشته و هدفش رسیدن به قرب الهی و خلیفه خدا شدن در زمین است که با تقوا و بندگی با محوریت خدا از قوه به فعل در می‌آید. اما در روان‌شناسی، عزت نفس از عوامل درون فردی و بیرونی حاصل شده، خاستگاه آن نیازها (کمبودها) و هدف رفع نیازها در محیط مادی و شکوفایی ظرفیت‌های انسانی جهت کسب موفقیت و پیشرفت است.

**کلیدواژه‌ها:** کرامت انسانی، امام رضا (علیه السلام)، مکاتب روان‌شناسی، شناخت انسان،

روان‌شناسی.

۱. استاد گروه علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه تبریز: badri\_rahim@yahoo.com

۲. دانشجوی دکتری روان‌شناسی تربیتی، دانشگاه تبریز (نویسنده مسئول): omidebrahimi66@gmail.com

۳. دانشجوی دکتری روان‌شناسی تربیتی، دانشگاه تبریز: delarammohamadi23@gmail.com

## مقدمه

انسان به‌عنوان اشرف مخلوقات، جایگاه خاصی در جهان دارد. تعیین جایگاه و منزلت انسان در نظام هستی، موضوع مهمی است که شایسته توجه است. زمانی که از جایگاه و منزلت آدمی در جهان هستی سخن می‌گوییم، تعیین میزان قابلیت‌های مادی، فیزیکی، اقتدار و بهره‌مندی انسان در مقایسه با دیگر حیوانات و موجودات نیست، بلکه مقصود از تعیین منزلت و ارزش انسان، قضاوت درباره ارزش‌های معنوی و اخلاقی اوست؛ به این معنا که نوع انسان، نه لزوماً تک‌تک افراد آن، دارای چه نوع جایگاه و ارزشی در نظام هستی است؟ (سیدی‌نیا، ۱۳۸۶). در همین راستا، بررسی تاریخ مکاتب و ادیان نشان می‌دهد یکی از موضوعات بسیار مهم در قلمرو حقوق، فلسفه، اخلاق و عرفان، ارزش یا همان «کرامت انسانی» است زیرا این موضوع پایه و اساس بسیاری از حقوق، امتیازها و تکالیف انسانی است. کرامت انسانی، نه تنها به‌منزله یک حق یا مجموعه‌ای از حقوق غیر قابل سلب و انتقال است، بلکه محور و مبنای حقوق بشر تلقی می‌شود. پیشرفت و توسعه پایدار در هر جامعه‌ای در گرو رعایت آن است که در صورت بی‌توجهی به این اصل و نبود التزام عملی به آثار آن، ارزش‌هایی چون عدالت، آزادی، برابری و صلح در روابط داخلی و بین‌المللی، مفهوم خود را از دست خواهد داد و در این صورت، شاهد جهانی پر از ظلم، بی‌عدالتی، بی‌مهری، خشونت، جنگ، تجاوز و تبعیض خواهیم بود و آرمان «تشکیل امت واحد جهانی» به خطر خواهد افتاد (رحیمی‌نژاد، ۱۳۹۰: ۱۱۴).

از سوی دیگر، امروزه با ورود بشر به دوران جدید، علاوه بر ایجاد تحولات چشمگیر و اساسی در عرصه‌های مختلف، زیرساخت‌های تفکر انسان هم به چالش کشیده شده و بازتاب این تحولات در حوزه‌های دینی نیز اثرگذار بوده است. از جمله موضوعات مهم که کوشش‌های فراوانی را در پی داشته، موضوع جایگاه و کرامت انسان و نوع نگاه ادیان و مکاتب به وی بوده است (فخار طوسی، ۱۳۸۲: ۴).

برای تعیین جایگاه انسان در متون علمی نظریه‌های متفاوت و بلکه متضادی ارائه

شده است. فروید به انسان نگاه بدبینانه داشت. کانت انسان را «لوح سفید» نامید و انسان‌گرایان، انسان را محور و کانون حقایق و فضایل نظام هستی می‌دانستند. اما در تعالیم ادیان آسمانی - به‌ویژه اسلام - پس از مسئله خدا، انسان محوری‌ترین موضوع به‌شمار آمده و آفرینش جهان، فرستادن پیامبران و نزول کتاب‌های آسمانی برای رسیدن او به سعادت نهایی‌اش که در گرو کرامت انسانی است، صورت گرفته است (یدالله‌پور، ۱۳۸۸: ۲). از منظر دین مبین اسلام، مهم‌ترین و در عین حال ارزشمندترین گوهری که خداوند متعال در خلقت انسان به وی عطا فرموده روح الهی است که منشأ کرامت انسانی است. این ویژگی مهم که خداوند افتخار داشتن آن را فقط به اشرف مخلوقات خود داد، موجب تمایز انسان از سایر موجودات شد و همه فرشتگان مأمور شدند در برابر وی، سر تعظیم فرود آورند. از نظر حضرت علی (علیه‌السلام) خضوع و خشوع و سجده فرشتگان در برابر انسان به‌سبب کرامت او بود. به تعبیر دیگر، فرشتگان در مقابل کرامت انسانی به سجده افتادند (قاضی‌زاده و حسینی، ۱۳۸۶: ۱۲۰). در مطالعات اسلامی به‌ویژه در حوزه اخلاق، با استناد به آیات و روایات، دارا بودن احساس عزت و کرامت نفس، تسهیل‌کننده میل به فضایل اخلاقی برشمرده شده و مباحثی در مرزبندی تکبر (خیلاء)، متکبر (مختال)، پست (لثیم) با کریم و حرمت نفس صورت گرفته است. در بین معاصران از حکمای اسلامی، شهید مطهری «کرامت نفس» را محور اخلاق اسلامی و تبلور عینی خود حقیقی در اخلاق می‌داند و از آن به نام «اخلاق مکرمتی» یاد کرده که از آیه «لقد کرمنا بنی آدم...» اخذ نموده است (سلیمانی ابهری و سلیمانی ابهری، ۱۳۹۳: ۴).

در علم روان‌شناسی از کرامت انسان به عزت نفس<sup>۱</sup> تعبیر شده که در چند دهه اخیر به‌عنوان یکی از جنبه‌های «خود» و نیازهای اساسی انسان، مورد توجه قرار گرفته (همان: ۴) و به معنای باور و اعتقادی است که فرد، درباره ارزش و اهمیت خود دارد. در حقیقت، برداشت و قضاوتی که افراد از خود دارند، تعیین‌کننده چگونگی برخورد آنان با مسائل مختلف است. فردی که عزت نفس پایین دارد و برای خود ارزش و

1. self-esteem

احترامی قایل نیست، ممکن است دچار انزوا، گوشه‌گیری و یا پرخاشگری و رفتارهای ضداجتماعی شود. هر چه فرد از خودباوری و عزت نفس بالاتری برخوردار باشد، موقعیت و کارآمدی بالاتری دارد و از آسیب‌های روانی - اجتماعی نیز مصون خواهد ماند (شیهان، ۱۳۸۳). مازلو، روان‌شناس انسان‌گرا، یکی از نیازهای اساسی انسان را نیاز به عزت نفس یا احترام به خود می‌داند که شامل احساس شایستگی، کفایت و مهارت است؛ یعنی نیاز فرد به ایجاد تصویر مثبت در دیگران نسبت به خود (نقل از سیف، ۱۳۷۶).

نتایج پژوهش‌های روان‌شناسی حکایت از آن دارد که افزایش عزت نفس برای پیشگیری از مشکلاتی که ممکن است بر اثر عزت نفس پایین برای نوجوانان به‌وجود آید، ضروری است (Teri, 2002) و عزت نفس بالا نقش سازنده‌ای در سازگاری اجتماعی (Kata & Joiner, 2002)؛ الگوهای پیشرفت، عملکرد، تعامل با دیگران و سلامت روانی (Kubota & Sasaki, 2005)؛ مسئولیت‌پذیری (سهیلی، ۱۳۸۷)؛ کیفیت زندگی، توانمندی و ارزشمندی (مان و همکاران، ۲۰۰۴؛ نقل از احمدی، ۱۳۹۳: ۱۴) دارد. در مجموع، بیشتر مطالعات این مطلب را تأیید می‌کنند که عزت نفس بالا از عوامل مثبت و مؤثر بر بهداشت روانی و عزت نفس پایین از عوامل مستعدکننده ناراحتی‌های روانی است (بخشی ارجنکی، شریفی و قاسمی پیر بلوطی، ۱۳۹۴: ۶۱).

بررسی دقیق مطالعات صورت‌گرفته در زمینه کرامت انسانی نشان می‌دهد بیشتر تحقیقات به مواردی از جمله اسباب و زمینه‌های کرامت انسانی از دیدگاه نهج‌البلاغه (طاهری، ۱۳۸۴)؛ مؤلفه‌ها و مبانی کرامت انسان (علیخانی، ۱۳۸۵؛ وارلیوس، ۲۰۱۲)؛ عوامل نقض و ارتقای کرامت انسان (غفارزاده، ۱۳۸۶؛ جکبسون و جکبسون، ۲۰۰۹)؛ و ابعاد کرامت انسانی در مدیریت و پیامدهای حاصل از آن (پورسعید و زایر کعبه، ۱۳۹۲؛ سلمازی، ۲۰۱۳) پرداخته‌اند (نقل از معمارزاده و همکاران، ۱۳۹۴: ۵۹). آنچه در این تحقیقات مغفول مانده، مطالعه تطبیقی و مقایسه دیدگاه‌های روان‌شناختی با سیره معصومین (علیهم‌السلام) است. همچنین با توجه به دیدگاه‌های متفاوت و مملو از افراط و تفریط در مکاتب مختلف درباره جایگاه انسان و نگاه متعالی اسلام نسبت به

کرامت انسان و تأثیر کرامت انسانی در حفظ ارزش‌های معنوی و انسانی و سلامت فردی و اجتماعی، نگارش این پژوهش و مطالعه تطبیقی اهمیت زیادی دارد. بر این اساس، پژوهشگر کوشیده است برای بررسی عمیق دیدگاه‌های مکاتب الهی و مکاتب بشری درباره جایگاه انسان، دیدگاه امام رضا (علیه‌السلام) را به‌عنوان نمونه کامل الگوی اسلامی و دیدگاه روان‌شناسی را به‌عنوان نمونه مکتب بشری درباره کرامت انسانی ارائه کند. بنابراین، هدف پژوهش حاضر بررسی جایگاه و کرامت انسانی از منظر امام رضا (علیه‌السلام) و روان‌شناسی است. سعی شده در بررسی موضوع، ضمن بیان نقاط اشتراک و افتراق این دو دیدگاه، زمینه‌ای برای نظریه‌پردازی در حوزه روان‌شناسی اسلامی فراهم آید.

### روش پژوهش

پژوهش پیش رو از نظر شیوه گردآوری اطلاعات، کتابخانه‌ای و اسنادی است و به روش توصیفی - تحلیلی سامان یافته است و می‌کوشد با تمرکز بر سیره هشتمین پیشوای شیعیان، امام علی بن موسی الرضا (علیهما‌السلام) مفهوم، خاستگاه و ابعاد کرامت انسان را در کلام گهربار و رفتار تابناک آن حضرت بررسی کند و تحلیلی روان‌شناختی از موضوع را نیز ارائه دهد.

### مفهوم کرامت

واژه «کرامت» از ماده «ک ر م» و مصدر است به معنا زرگی ورزیدن، ارجمندی و بخشندگی. ابن‌منظور نوشته است: «کریم اسم است برای چیزی یا کسی که همه اوصاف ستودنی را در خود داشته باشد. این واژه متضاد لثیم است. این صفت در اصل بر انسان اطلاق می‌گردد، اما گاه در کاربرد عام خود برای موارد دیگری نیز به کار رفته است و برای وصف موجودات دیگر مانند اسب، شتر و درخت نیز به کار گرفته

می‌شود.» (نقل از نورایی و سلیمانی، ۱۳۹۲: ۱۶۷). در «مفردات» دربارهٔ واژه «کرم» آمده است: «... هرگاه انسان با این واژه وصف شود، اسمی است برای اخلاق و افعال پسندیده‌ای که از انسان ظاهر می‌شود [و نشان از بزرگواری او دارد] و واژه کریم تا وقتی که آن رفتار و اخلاق ظاهر نشود، گفته نمی‌شود.» (راغب اصفهانی، ۱۴۰۴ق: ۴۲۸). بیشتر لغت‌شناسان، کرامت را به معنای شرافت، بزرگواری و در مقابل دنائت و پستی آورده‌اند، که معنای حقیقی آن بزرگ‌منشی، بزرگواری و شرافت است. در مجموع می‌توان گفت: «کرامت به معنای نزهت از پستی و فرومایگی است و کریم یعنی روح بزرگوار و منزّه از هر پستی. بدین معنا، کرامت در برابر دنائت قرار می‌گیرد و کریم در مقابل دنی» (جوادی آملی، ۱۳۶۶: ۲۲-۲۱).

در روان‌شناسی از کرامت نفس با واژهٔ عزت نفس یاد شده و عبارت است از میزان ارزشی که اطلاعات درون خودپنداره برای فرد دارد و از اعتقادات فرد دربارهٔ تمام صفات و ویژگی‌هایی که در او هست، سرچشمه می‌گیرد (حسنوند و خالدیان، ۲۰۱۲: ۲۳۲). به عبارت دیگر، عزت نفس هر فرد بر اساس ترکیبی از اطلاعات عینی دربارهٔ خودش و ارزشیابی ذهنی آن اطلاعات بنا نهاده می‌شود. بنابراین، عزت نفس یعنی ارزشی که اطلاعات درونی خودپنداره برای فرد دارد و از اعتقادات فرد دربارهٔ تمام صفات و ویژگی‌هایی که در اوست، ناشی می‌شود. این خودپنداره که مفهوم عزت نفس را می‌سازد از تأثیر محیط بیرونی شکل می‌گیرد (کاوندی و صفورایی‌پاریزی، ۱۳۹۱: ۱۶۸). پس عزت نفس در میان اندیشمندان اسلام و روان‌شناسی به معنای ارزشمندی، کارایی مفید و احترام قایل‌شدن به خود را در بردارد؛ با این تفاوت که کرامت و عزت نفس در اندیشهٔ دینی در قالب اندیشه و رفتار که بیشتر ناظر به امور معنوی است تجلی یافته اما در روان‌شناسی بیشتر ناظر به امور مادی و محیطی است.

## انواع کرامت

در این قسمت ابتدا به‌طور خلاصه ابعاد کرامت انسانی از منظر روان‌شناسی بیان

شده و سپس به صورت گستره انواع کرامت از دیدگاه امام رضا (علیه‌السلام) تحلیل و تبیین گشته است.

### انواع کرامت یا عزت نفس در روان‌شناسی

در روان‌شناسی، به دلیل خاستگاه و جهت‌گیری فکری روان‌شناسان هر دوره، تعریف واحدی از پدیده‌های انسانی و ماهیت انسان ارائه نشده است. لذا برای روشن شدن موضوع، ابتدا نگرش مکاتب مهم روان‌شناسی درباره انسان و اهداف وی مطرح و سپس به مقوله عزت نفس پرداخته می‌شود.

الف) مکتب روانکاوی: این مکتب را فروید بنا نهاد. به نظر وی، انسان تابع اصل جبر روانی است و توسط نیروهای غریزی ناخودآگاه - که بحث‌برانگیزترین آن‌ها غریزه جنسی است - هدایت می‌شود. این نیروها را می‌توان به سطح آگاهی آورد و در اختیار گرفت. از این دیدگاه، آگاهی سبب آزادی و جهل باعث بردگی می‌شود و جبر روانی زمانی کاهش می‌یابد که خودآگاهی به قسمت ناهشیار افزایش یابد (شفیع‌آبادی، ۱۳۹۲: ۵۱). پس روانکاوان انسان را دستخوش نیروهای زیست‌شناختی و کشمکش‌های دوره کودکی می‌پندارند و برتری او را در غلبه و کنترل متعادل این کشمکش‌ها می‌دانند و چون کانون توجه‌شان نسبت به گذشته انسان است، به نوعی سیر به سوی کرامت و کمال انسانی در این مکتب نادیده گرفته شده است.

ب) مکتب رفتارگرایی: در دیدگاه رفتارگرایان، انسان ذاتاً نه خوب است و نه بد؛ بلکه یک ارگانیزم تجربه‌گر است که استعداد بالقوه‌ای برای هر رفتاری دارد اما هر رفتار او به وسیله عوامل پیشین تعیین می‌شود. این مکتب با نادیده گرفتن کامل مفهوم اراده آزاد و روح و منحصر ساختن مطالعه آدمی در رفتار عینی و مشهود و قابل اندازه‌گیری - محرک و پاسخ - قابلیت ارائه یک الگوی انسانی دارای کرامت را از خود سلب می‌سازد و از انسان تصویری ارائه می‌دهد که به وسیله عادت‌هایش کنترل می‌شود و بر

تغییر و تحول انسان از راه دگرگون‌سازی محیط تأکید می‌کند (استونس، ۱۳۶۳: ۱۵۸).

ج) مکتب انسان‌گرایی: روان‌شناسی انسان‌گرایی که از رویکرد اگزیستانسیالیسم نشأت گرفته، برخلاف روانکاوی، امیال و آرزوهای سرکوب‌شده دوران کودکی و یا جبر و عدم در زندگی را قبول ندارد و با رد دیدگاه ماشینی رفتارگرایان، خوشبختی و بدبختی هر انسان را محصول اراده خود انسان می‌داند، زیرا انسان آزاد است و حق انتخاب دارد. طبق این دیدگاه، عمده‌ترین عاملی که انسان را به حرکت وامی‌دارد نگرشی است که او نسبت به خود و دنیای اطرافش دارد (گنجی، ۱۳۹۲: ۱۰۷). حامیان جنبش انسان‌گرایی سطح مطلوب کمال و رشد انسان را فراسوی بهنجاری می‌دانند و چنین استدلال می‌کنند که نداشتن بیماری عاطفی تنها نخستین گام ضروری به سوی رشد و کمال است و انسان پس از این گام، راهی دراز در پیش دارد و آن شکوفایی تمام استعدادهای خود و معنایابی برای تمام رویدادهای زندگی است (شولتز و شولتز، ۱۳۹۲: ۵-۹). همچنین، ارزشیابی و تأیید اجتماعی و هر آنچه را که شخص تجربه کند و باعث پیشرفت و ترقی او گردد را کمال‌آفرین می‌داند و هر موفقیتی در شخص شکوفا شود را عزت به‌شمار می‌آورد (مازلو، ۱۳۷۱؛ راجرز، ۱۳۷۰؛ نقل از محمدعلی‌نژاد و کمالوند، ۱۳۹۵: ۱۱). اما باز به‌دلیل داشتن نگاه هستی‌گرایانه به انسان و نادیده‌گرفتن جوهره اصلی وی که همان نفخه الهی است، به‌نوعی در توصیف کرامت واقعی انسان عقیم مانده است.

آنچه می‌توان از مکاتب روان‌شناسی برداشت کرد این است که هیچ یک از آنها از روح انسان بحث نکرده‌اند و اگر روان را معادل روح در نظر بگیریم، در بررسی این موضوع هم نقش محیط، وراثت، اجتماع و خود تجربه انسانی را در نظر گرفته‌اند و سیر به سوی کمال (تحقق استعدادهای انسانی) را در محدوده این موضوعات پذیرفته‌اند. مطابق تفسیرهای پیشین، در روان‌شناسی از کرامت انسانی به عزت نفس تعبیر شده که روان‌شناسان، برای بررسی و اندازه‌گیری عزت نفس، آن را به پنج حیطه تقسیم کرده‌اند: عزت نفس اجتماعی، تحصیلی، خانوادگی، جسمانی و عزت نفس کلی (Pope, 1988).



«عزت نفس اجتماعی» مشتمل بر عقاید فرد دربارهٔ خودش به‌عنوان یک دوست برای دیگران است. «عزت نفس تحصیلی» با ارزشیابی فرد از خودش به‌عنوان یک دانشجو یا دانش‌آموز در زمینه تحصیلی سروکار دارد. «عزت نفس جسمانی» ترکیبی از ویژگی‌های جسمانی و توانایی‌های بدنی است و بر رضایت فرد از وضعیت فیزیکی و قابلیت‌های جسمانی خود مبتنی است. «عزت نفس خانوادگی» ارزیابی و قضاوت فرد در جایگاه عضوی از خانواده است که در اثر تعامل فرد با اعضای خانواده در وی به‌وجود می‌آید و «عزت نفس کلی» بر ارزیابی فرد از خودش در تمام زمینه‌ها مبتنی است. عزت نفس کلی در احساساتی نظیر «من یک شخص خوب یا بد هستم» یا «من بیشتر چیزها دربارهٔ خودم را دوست دارم یا ندارم» منعکس می‌شود (پوپ، ۱۹۸۸؛ نقل از تورایی و صفورایی پاریزی، ۱۳۹۱: ۱۶۹-۱۷۱).

### ب) انواع کرامت در اسلام

به اعتقاد برخی از متفکران، در سراسر خلقت سه نوع کرامت متصور است: ۱. «کرامت ملکوتی» که فراطبیعی صرف و مربوط به ملائک، عرش الهی، حاملان عرش و خداست. ۲. «کرامت طبیعی» که مربوط به موجودات طبیعی است. از این‌رو، خداوند گیاهان را با وصف کرامت یاد می‌کند و می‌فرماید: آیا به زمین ننگریسته‌اند که چقدر از هر گونه گیاهان نیکو در آن رویانیده‌ایم (شعر/ ۷) ۳. «کرامت رفیع انسانی» که از تلفیق بین طبیعت و فراطبیعت و از جمع سالم میان کرامت ملکوتی و کرامت طبیعی حاصل شده است (جوادی آملی، ۱۳۸۱: ۳۲۷). بیان قرآن در زمینهٔ کرامت انسان دوگونه است: در بخشی از آیات از کرامت، ارجمندی انسان و برتری او بر دیگر موجودات سخن به میان آمده است (اسراء/ ۷۰؛ مؤمنون/ ۱۴؛ تین/ ۱۴؛ لقمان/ ۲) و در برخی انسان مورد نکوهش قرار گرفته و حتی دون بودن او از حیوانات مطرح شده است (نساء/ ۲۸؛ معراج/ ۱۶؛ ابراهیم/ ۳۴؛ احزاب/ ۷۲؛ اعراف/ ۱۷۹؛ تین/ ۵؛ نقل از صادق

۱. أَوْلَمْ يَرَوْا إِلَى الْأَرْضِ كَمْ أَنْبَتْنَا فِيهَا مِنْ كُلِّ زَوْجٍ كَرِيمٍ

پور، ۱۳۸۶: ۵۴-۵۳). از این مطالب این‌گونه برداشت می‌شود که انسان دارای اقسام مختلفی از کرامت است.

بر اساس نظر برخی عالمان مانند علامه جعفری و همفکرانش، کرامت انسان به دو نوع «کرامت ذاتی» و «کرامت اکتسابی» تقسیم می‌شود.

### ۱. کرامت ذاتی

منظور از کرامت ذاتی، آن کرامت و والایی‌ای است که همه انسان‌ها از آن برخوردارند و تا زمانی که با ارتکاب جنایت و دست‌یازی به خیانت آن را زایل نکنند، کرامات آنان باقی است زیرا خداوند انسان را به‌نحوی آفریده است که در مقایسه با برخی موجودات دیگر از لحاظ ساختمان وجودی، از امکانات و مزایای بیشتری متنعم است و یا تنظیم و ساختار امکاناتش به شکل بهتر صورت پذیرفته و از دارایی و غنای بیشتری برخوردار است (رمضانی، بی تا: ۵۶). این نوع امکانات حاکی از عنایت ویژه حق تعالی به نوع انسان است و کلیه انسان‌ها از آن متنعم‌اند. بنابراین، هیچ‌کس نباید به‌خاطر برخورداری از آن، بر موجودی دیگر فخر بفروشد و آن را ملاک ارزشمندی و تکامل انسانی خود بداند زیرا این کرامت به اختیار انسان ارتباطی ندارد و نوع انسان، لاجرم از این کرامت متمتع است. آیاتی مانند آیه ۴ سوره تین (ما انسان را در بهترین صورت و نظام آفریدیم)<sup>۱</sup>؛ آیه ۷۰ سوره اسراء (و به تحقیق فرزندان آدم را گرامی داشتیم)<sup>۲</sup> و آیات متعددی که از تسخیر جهان آفرینش و آنچه در زمین است برای انسان سخن می‌گویند، همه بر کرامت تکوینی و ذاتی نوع انسان دلالت دارند (صالحی و عباسی، ۱۳۹۰: ۴۶). علامه جعفری (ره) ذیل این آیه چنین نگاشته است: «این آیه با کمال صراحت اثبات می‌کند که خداوند متعال فرزندان آدم را ذاتاً مورد تکریم قرار داده و آنان را بر مقداری فراوان از کائنات برتری داده است. به‌همین دلیل، قاطع و صریح، افراد انسانی باید این کرامت و حیثیت را برای همدیگر به‌عنوان یک حق بشناسند و

۱. لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي أَحْسَنِ تَقْوِيمٍ  
۲. وَ لَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ

خود را برابر آن حق مکلف ببینند.» (جعفری، ۱۳۷۰: ۸۰).

کرامت ذاتی خود به دو شکل ظاهری و معنوی تحقق یافته است: تکریم ظاهری مثل: ایستادن، راه رفتن، خوردن و آشامیدن با دست، قدرت نوشتن، اعتدال مزاج، تسلط بر طبیعت، تهیه اسباب معاش و امثال آن که در کلام برخی مفسران آمده است و تکریم معنوی انسان به عقل، که بسیاری از تکریم‌های ظاهری از آن نشأت می‌گیرد و انسان را بر سایر حیوانات ترجیح داده است. این نعمت که عظیم‌ترین و محبوب‌ترین نعمت خداوند است، انسان را در تشخیص حق و باطل، خیر و شر، صلاح و فساد و حسن و قبح دلالت می‌کند. تکامل زندگی بشر از این نعمت نشأت می‌گیرد. هر یک از این دو تکریم شامل کلیه انسان‌ها می‌شود. نه تنها رنگ، نژاد، قبیله و... در آن تأثیری ندارد، بلکه ملاک‌های برتری حقیقی مانند ایمان، علم، جهاد و... نیز نقشی ندارد. از این‌رو، قرآن کریم جمیع فرزندان آدم (علیه السلام) را مشمول این تکریم معرفی کرده است (و لقد کَرَّمنا بنی آدم...) پس انسان‌ها در حقیقت مشمول تکریم اجباری می‌شوند (جوادی آملی، ۱۳۸۱؛ نقل از صالحی و عباسی، ۱۳۹۰: ۴۷).

## ۲. کرامت اکتسابی

مقصود از کرامت اکتسابی، حصول به کمالاتی است که انسان در پرتو تقوا، ایمان و عمل صالح خود به دست می‌آورد. این نوع کرامت، منبعث از تلاش انسان بوده و معیار ارزش‌های انسانی و ملاک تقرب در پیشگاه خداوندی است. با این کرامت است که می‌توان واقعاً انسانی را بر انسان دیگر برتر دانست (صادق‌پور، ۱۳۸۶: ۵۵). همه انسان‌ها استعداد رسیدن به این کمال و کرامت را دارند، ولی برخی به آن دست می‌یابند و برخی فاقد آن می‌مانند. آنچه مورد توجه قرآن کریم است، تفاوت مراتبی است که از تقوا نشأت می‌گیرد.<sup>۱</sup> از این‌رو، ملاک تفاوت درجات انسان‌ها از یکدیگر و به بیان دیگر، ملاک قرب و بعد به ذات اقدس الهی که در نتیجه، تفاوت در میزان

۱. اِنْ اُكْرِمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ اتَّقُوا (حجرات/۱۳)

تمتع از کرامت الهی را به همراه خواهد داشت، باید به نحو کاملاً اختیاری باشد تا انسان‌ها با تکیه بر همت و مجاهدت خود آن را تحصیل نمایند. چنان‌که قرآن کریم می‌فرماید: سعی و تلاش شما در زندگی گوناگون و مختلف است<sup>۱</sup> (لیل/ ۴). از آنجاکه همت‌های آدمیان متفاوت است، کرامتی که انسان‌ها کسب می‌کنند نیز متفاوت است (سلیمی زارع و قاضی زاده، ۱۳۸۶: ۷۲).

نکته‌ای که باید برای روشن‌شدن ادامه بحث بعد از بیان انواع کرامت انسان به آن اشاره کرد این است که در جهان‌بینی اسلامی، انسان موجودی مستعد کمال و جاودانگی است. پس هر جا از عوامل ارتقادهنده کرامت انسان در دین مبین اسلام و سیره معصومین (علیهم‌السلام) سخنی به‌میان آید همان کرامت اکتسابی است، زیرا در کرامت ذاتی، تمام انسان‌ها یکسان هستند و هیچ تفاوتی در میان نیست اما آنچه سبب تمایز و برتری انسان‌ها نسبت به همدیگر می‌شود، کرامتی است که انسان آن را در دنیا و با قوه اختیار کسب می‌کند و کم و کیف آن در انسان‌های مختلف متفاوت است و اساساً میزان و عمق آن به میزان معرفت، پارسایی و جایگاه هر کس نزد خداوند بستگی دارد (افتخاری و اسدی، ۱۳۹۲: ۳۱).

### ج) انواع کرامت از منظر امام رضا (علیه‌السلام)

حکایت یکی از اهالی بلخ که در سفر حضرت رضا (علیه‌السلام) به خراسان همراه ایشان بوده است، به روشنی گویای سیره حضرت درباره کرامت انسان‌هاست. «با امام رضا (علیه‌السلام) در سفر به خراسان همراه بودم. روزی سفرهای طلبید و تمام خدمتکاران و غلامان را نزدش فراخواند. گفتم: فدایتان شوم! کاش برای اینان سفرهای جداگانه می‌انداختید. فرمود: دست بردار! خدای همه ما یکی است؛ پدر و مادر همه یکی است و پاداش نیز به اعمال است.»<sup>۲</sup> (کلینی، ۱۳۸۸ق، ج ۸: ۲۳۰؛ مجلسی،

۱. إِنَّ سَعْيَكُمْ لَشَتَّى

۲. عَدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الصَّلْتِ عَنْ رَجُلٍ مِنْ أَهْلِ بَلْخٍ قَبَالَ: كُنْتُ مَعَ الرَّضَا (ع) فِي سَفَرِهِ إِلَى خُرَاسَانَ فَدَعَا يَوْمًا بِمَائِدَةٍ لَهُ فَجَمَعَ عَلَيْهَا مَوَالِيَهُ مِنَ السُّودَانِ وَغَيْرِهِمْ فَقُلْتُ جَعَلَتْ فِدَاكَ لَوْ عَزَلْتَ لَهُؤُلَاءِ مَائِدَةً فَقَالَ مَهْ إِنَّ الرَّبَّ تَبَارَكَ وَتَعَالَى وَاحِدٌ وَالْأُمَّ وَاحِدَةٌ وَالْأَبُّ وَاحِدٌ وَالْجَزَاءُ بِالْأَعْمَالِ

۱۴۰۳ق، ج ۴۹: ۱۴۱). در یک بخش این روایت که بسیار گویا و روشن است، امام رضا (علیه السلام) با تکیه بر اصالت یکسان و متعالی آدمی می‌فرماید: «خدای همه ما یکی است، همه از یک پدر و مادریم». امام رضا (علیه السلام) با نشستن بر سر یک سفره با خدمتکاران‌شان که از لحاظ ظاهر و موقعیت اجتماعی از دید مردم جایگاهی ندارند، به آنان کرامت می‌بخشد و مالک این رفتار را تساوی انسان‌ها از لحاظ کرامت ذاتی برمی‌شمرد زیرا خدای همه و پدر و مادرمان یکی است (جلایان اکبرنیا و محمدی، ۱۳۹۴: ۱۲۳). یعنی همه انسان‌ها دارای کرامت ذاتی هستند و از ذات و اصلی یکسان که متعلق به خداست، برخوردارند. در بخش پایانی با بیان جمله «الْجَزَاءُ بِالْأَعْمَالِ» به کرامت اکتسابی بشر که در سایه ایمان و تقوا و اعمال اختیاری است، اشاره کردند. یا وقتی شخصی به امام عرض کرد: «به خدا سوگند هیچ‌کس در روی زمین از جهت برتری و شرافت پدران به شما نمی‌رسد» امام فرمودند: تقوا به آنان شرافت داد و اطاعت پروردگار آنان را بزرگوار ساخت (ابن بابویه، ۱۳۷۳، ج ۲: ۱۷۴).

نمونه‌های متعددی از برخورد کریمانه امام رضا (علیه السلام) با مردم ثبت شده که حضرت بر اساس آموزه‌های قرآن، بسیاری از تبعیض‌های اجتماعی را که حاصل نادیده انگاشتن کرامت انسانی است، از میان برداشته‌اند. از این‌رو، در سیره عملی امام (علیه السلام) مشاهده می‌شود که هیچ‌گاه به غلامان و بردگان خود دشنام ندادند، بلکه هنگامی که سفره طعام انداخته می‌شد، همه غلامان و خادمان، حتی دربان و میرآخور را به سفره غذا می‌نشانند (ابن بابویه، ۱۳۷۳، ج ۲: ۱۸۴). به عقیده امام رضا (علیه السلام) بدترین مردم کسی است که غلامش را شلاق بزند (ابن شعبه حرّانی، ۱۳۶۳ق: ۴۴۸؛ نقل از علم الهدی و شریفی، ۱۳۹۴: ۸۷). از این سخن مولا این حقیقت روشن می‌شود که «کرامت انسان» در نگاه و اندیشه معصومین به گونه‌ای است که نمی‌توان در ادب‌آموزی‌اش از شلاق و چوب‌سود برد زیرا امام با تعبیری شفاف، مقام انسان را با چهارپایان به گونه‌ای مرزبندی کرده است که جایی را برای به شلاق بستن انسان نمی‌گذارد (معادینخواه، ۱۳۸۶: ۱۰).

## خاستگاه کرامت

یکی از نکته‌های اساسی که باید به آن پرداخت، تعیین خاستگاه و منشأ کرامت انسان است. انسان‌ها به چه دلیل کرامت دارند و منشأ کرامت ایشان چیست؟ یا به تعبیر دیگر، آدمی کرامت را از چه منبعی دریافت کرده است؟

### الف) خاستگاه کرامت در روان‌شناسی

در روان‌شناسی عزت نفس هنگامی به وجود می‌آید که نیازهای ابتدایی زندگی به‌نحو مناسبی ارضا شده باشد. افراد زمانی از عزت نفس مطلوب بهره‌مند می‌شوند که بتوانند در سه شرط متمایز، احساسات مثبتی را تجربه کنند. این سه شرط عبارتند از: همبستگی، قدرت و الگوها (کاوندی و صفورایی پاریزی، ۱۳۹۱: ۱۷۳).

شرط اول همبستگی، احساس پذیرش یا مقبولیت است؛ به‌ویژه در روابط مهم. همچنین، به‌معنای احساس پذیرفته‌شدن و مورد احترام قرار گرفتن از سوی دیگران نیز به‌کار می‌رود. این حس از احساسات، نگرش‌ها، راه‌های ارتباط و قوای حاکم بین خانواده به‌وجود آمده است و به چگونگی روابط بین افراد خانواده وابستگی زیادی دارد. حس همبستگی بین تمام افراد خانواده یا گروه زمانی به‌وجود می‌آید که کنش‌های متقابل مثبت بین آنها تقویت شود. دوم، قدرت که از منابع و فرصت‌های تأثیرگذار بر شرایط زندگی فرد حاصل می‌شود. هنگامی که فرد در زندگی از چنین فرصتی برخوردار باشد، احساس قدرت خواهد کرد. منابع مهم برای به‌دست‌آوردن حس قدرت عبارتند از: دانش، سلامتی، قابلیت جسمانی، مهارت‌ها، توانایی انجام کارهای دستی، تصمیم‌گیری، منابع مادی، اطلاعات و تجارب و الگوها. افراد باید نمونه‌ها یا الگوهای انسانی، فلسفی و عملیاتی پیشرو داشته باشند تا آنها را برای ایجاد ارزش‌های معنادار، هدفدار، آرمان‌ها و معیارهای شخصی سرمشق قرار دهد (خورانی، ۱۳۸۷: ۱۷۳).

### ب) خاستگاه کرامت از منظر امام رضا (علیه السلام)

با دقت در متون دینی روشن می‌شود که از دیدگاه قرآن کریم سرّ برتری و منشأ کرامت انسان اعم از ذاتی و اکتسابی نفخه روح الهی در اوست که وی را مسجود ملائکه قرار داده است. جوادی آملی در این باره می‌فرماید: مایه کرامت انسان و نسل آدمی همان روح الهی است و چون خداوند این روح الهی را به انسان داده، فرموده است: والا و دارای خیر فراوان است خداوندی که بهترین آفریننده است<sup>۱</sup> (مؤمنون/۱۴) زیرا قبل از مرحله انسانیت همه آثار صُنعی که درباره انسان صورت پذیرفت، بین انسان و حیوانات دیگر مشترک است. تنها امتیاز انسان از سایر حیوانات در ناحیه روح الهی است (جوادی آملی، ۱۳۶۶: ۹۸-۹۷). پس کرامت انسانی، عطیه و لطف الهی نسبت به انسان است (به‌طور قطع، انسان را گرمی داشتیم و کرامت و بزرگواری به او دادیم) (اسراء/۷۰). که از مظاهر آن اختیار، عقل و تسلیم‌شدن در مقابل حق و عدل است و این کرامت منشأ تقوا و موجب پرهیز از ظلم و تخلف از عدل است و آیه (گرمی‌ترین شما نزد خدا باتقواترین شماست<sup>۲</sup>) مربوط به ارزش انسانی نزد خداوند و اثر کرامت خدادادی در خلقت است. در حقیقت آیه «ولقد کرّمنا» مربوط به کرامت بالقوه و ذاتی و آیه «ان اکرمکم» مربوط به قرب به حق و به فعلیت رسیدن آن کرامت بالقوه خدادادی است. پس کرامت، منشأ تقواست. در دیدگاه صاحب‌نظران، احترام و برتری انسان ناشی از ویژگی‌های مختلفی معرّفی شده است. از جمله، عقل، ناطق بودن انسان، داشتن قوه تشخیص، دارا بودن اندام متعادل و مناسب نسبت به سایر موجودات و اینکه انسان خدا را می‌شناسد و از او فرمان می‌برد (طبرسی، ۱۳۵۲: ۱۷۷).

امام رضا (علیه السلام) به‌عنوان یک الگوی کامل اسلامی، کرامت انسان‌ها را ارج می‌نهد به‌طوری که نمونه‌های بسیاری از خادمان و دیدارکنندگان آن حضرت در این باره روایت شده است: «هرگاه امام تنها می‌شد و از مسائل روزمره فارغ می‌گردید،

۱. فِتْيَارَكَ اللهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ  
 ۲. إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللهِ أَنْفَاكُمُ

اعضای خانواده و اطرافیان را گرد می‌آورد، با آنان سخن می‌گفت و انس و الفت می‌گرفت و هرگاه بر سر سفره حاضر می‌شد، خرد و کلان و حتی کارگزاران را فرا می‌خواند.» (مجلسی، ۱۳۸۶، ج ۴۹: ۱۶۴). یاسر، خادم آن حضرت، می‌گوید: امام رضا (علیه‌السلام) به ما فرمود: «اگر من بالای سر شما ایستادم و شما در حال غذا خوردن بودید، بلند نشوید، تا اینکه از غذا خوردن فارغ گردید.» یا گاهی حضرت یکی از ما را برای انجام کاری صدا می‌زد. وقتی گفته می‌شد مشغول غذا خوردن است، می‌فرمود: بگذارید غذایش را بخورد، بعد برخیزد (کلینی، ۱۳۸۸، ج ۶: ۲۹۸). معمر بن خلّاد می‌گوید: هنگامی که امام رضا (علیه‌السلام) غذا می‌خوردند، سینی می‌آوردند و نزدیک سفره می‌گذاشتند. آن حضرت به بهترین غذایی که برایش می‌آوردند می‌نگریست و از هر خوراکی مقداری را برمی‌داشت و در آن سینی می‌نهاد، سپس دستور می‌دادند آن سینی غذا را برای بینویان ببرند. امام نمی‌تواند غذایی را میل کند که محرومان از آن نخورده‌اند. این شیوه در راستای همان محورهای اصولی در تعالیم الهی امام است که انسان‌ها ارزشی همانند دارند (گلی‌زواره قمشه‌ای، ۱۳۸۷). زکریا فرزند آدم می‌گوید: از حضرت امام رضا (علیه‌السلام) پرسیدم. مردی از اهل ذمه (غیرمسلمان ساکن در سرزمین‌های اسلامی) که به فقر و گرسنگی مبتلا شده بود، فرزندش را آورد و گفت: فرزندم، مال تو. او را خوراک بده و او برده تو باشد. امام فرمود: (انسان) آزاد خریده و فروخته نمی‌شود این کار شایسته تو نیست؛ بر ذمیان نیز روا نخواهد بود (التهدیب، ج ۶: نقل از گلی‌زواره قمشه‌ای، ۱۳۸۷). امام رضا (علیه‌السلام) در دوره و عصری چنین تعاملی را با اعضای خانواده و اطرافیان برقرار می‌کرد که مناسبات اخلاقی و حقوقی میان افراد جامعه به‌گونه‌ی دیگری رقم می‌خورد. بندگان و کنیزان در این نظام جاهلی از هیچ اختیار و حقی برخوردار نبودند و جرأت نزدیک شدن به اربابان را نداشتند، اما خانه امام رضا (علیه‌السلام) به کانون دلدادگی و عشق شباهت داشت. همه بر سفره کرم ولی‌الله می‌نشستند و امام (علیه‌السلام) با اظهار محبت به آنان اعلام می‌کرد که شما هم انسان هستید و باید از حقوق اخلاقی و انسانی برخوردار گردید و اگر غیر از این باشد، به شما هم ستم شده است. ایشان با این



رفتار و برخورد کریمانه خود و بدون توجه به مقام و جایگاه افراد، در حقیقت، نوع بشر را به خاطر برخورداری از کرامت انسانی، تکریم می‌نمود.

از این مطالب این‌گونه برداشت می‌شود که آدمی کرامت را از جانب آفریدگار خود دریافت کرده است و کرامت ذاتی انسان، آن نوع شرافتی است که تمامی انسان‌ها به دلیل داشتن توانایی تعقل، تفکر، آزادی، اراده و اختیار و وجهه الهی، به‌طور فطری و یکسان از آن برخوردارند. این کرامت، یک امر ذاتی و انفکاک‌ناپذیر و انتزاع از انسان است؛ یعنی تصور انسانیت انسان، بدون آن ممکن نیست. تا زمانی که عنوان انسان و بنی آدم بر او صادق است، از کرامت انسانی و حقوق فطری ناشی از آن برخوردار است. اما آنچه میان انسان‌ها در رسیدن به مراتب آخر کمال که همان خلیفه و جانشین خدا شدن است، موجب برتری نوع بشر نسبت به همدیگر می‌شود، به تحصیل میزان تقوا و اطاعت از پروردگار بستگی دارد. پس می‌توان گفت در آموزه‌های اسلامی کرامت بشر ذاتی است و با دمیدن روح الهی، تمام انسان‌ها موقع خلقت تکریم شده‌اند و در سایه این کرامت ذاتی، می‌توانند با تحصیل تقوا خود را به مقام بالاتر قرب و تا حد خلیفه خدا شدن برسانند.

نکته دیگری که باید بدان پرداخته شود، این است که در روان‌شناسی خاستگاه کرامت فرد نیازهای وی بوده و با رفع این نیازها از طریق منابع محیطی (روابط، الگوها و قدرت) افراد می‌توانند عزت نفس بالاتری را کسب کنند. به عبارتی، در روان‌شناسی، خاستگاه عزت نفس نیازها (کمبودها) و هدف رفع نیازها در محیط مادی است. اما در آموزه‌های اسلام و سیره معصومین (علیهم السلام)، خاستگاه کرامت انسانی، ذاتی و وابسته به روح الهی بوده و جهت‌گیری معنوی و متعالی دارد و هدفش رسیدن به قرب الهی و خلیفه خدا شدن در زمین است. پس در روان‌شناسی به دلیل اینکه عزت نفس از محیط و امکانات مادی حاصل شده، محدود است اما در اسلام و سیره معصومین (علیهم السلام) به دلیل اینکه کرامت انسانی با دمیدن روح الهی در بشر حاصل شده و با تحصیل تقوا و اطاعت از پروردگار به فعلیت می‌رسد، نمی‌توان محدودیتی را برای مراتب کمال انسانی متصور شد.

## عوامل ارتقادهنده کرامت انسانی

### الف) دیدگاه روان‌شناسی

در علوم روان‌شناختی، تمامی روان‌شناسان بر اساس نظریه‌هایی که بدان پایبندند، عواملی را برای ارتقای عزت نفس، بر مبنای همان نظریه‌ها بیان کردند. محققان با بررسی نظریه‌ها و مطالعه تحقیقات انجام‌شده، چهار عامل اصلی را برای رشد عزت نفس بیان می‌کنند: ۱. میزان احترام، پذیرش و علاقه‌مندی‌ای که فرد دریافت می‌کند. ۲. تاریخ، تجارب و موفقیت‌های زندگی و به‌طور کلی موقعیتی که فرد در محیط دارد. ۳. ارزش‌ها و انتظارهایی که فرد بر مبنای آن تجارب را تفسیر می‌کند. ۴. روش پاسخ‌دهی فرد نسبت به موقعیت تهدید؛ منظور این است که واقعیت‌ها به‌منزله موارد خاصی هستند، آنچه تعیین‌کننده است، نگرش فرد نسبت به آن موقعیت است. به‌عنوان مثال، دو فرد در دو موقعیت اضطراب‌زا، دو برداشت متفاوت دارند و نحوه قضاوتشان به‌وضوح متفاوت از افرادی است که عزت نفس پایینی دارند (فیروزی، ۱۳۸۴؛ نقل از کاوندی و صفورایی پاریزی، ۱۳۹۱: ۱۷۶).

### ب) دیدگاه امام رضا (علیه السلام)

#### ۱- اطاعت و بندگی

انسان برای رسیدن به کمال لایق خود، چاره‌ای جز این ندارد که تسلیم قانون الهی باشد و در طریق پرستش، پیوسته تسلیم بی‌چون و چرای آفریدگار خود شود و تمام سعی او مصرف انجام تکالیف شرعی و جلب رضای حق تعالی گردد. مسلماً چنین کسی به این حقیقت پی برده است که این امور برای تقرب به خدا و حصول ملکه تقوا و صفای نفس و تزکیه و اتصاف به اسماء و صفات الهی وضع شده است و صلاحیت محکمه عقل در این‌گونه امور محدود بوده و عدم تشخیص برخی

از مسائل اعتقادی دلیل بر بطلان موضوع نیست (کتابچی، ۱۳۸۷). رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) فرمود: خداوند هر روز ندا می‌دهد: من پروردگار عزیز شمایم و هر کس که خواهان عزت دو جهان است، از خدای عزیز اطاعت کند<sup>۱</sup> (حق پناه، ۱۳۸۱: ۱۴۳).

امام رضا (علیه السلام) فرمود: «همانا خداوند مردم را به اطاعت و فرمانبرداری خود آزمایش می‌کند؛ خواه ماده آزمایش برای آنان قابل تعقل باشد، خواه نباشد. هدف آزمایش این است که حجت خداوند بر مردم الزام آور باشد و جای شبهه در اطاعت و عدم اطاعت او باقی نماند. بر این اساس، بدان که سرآمد تمام شرایط اطاعت و فرمانبرداری از خداوند این است که ما تسلیم بدون قید و شرط خدا باشیم، چه در اموری که عقل آنها را درک می‌کند و چه اموری که عقل ما به عمق آنها راه ندارد و حقیقت آن را درک نمی‌نماید.» (مجلسی، ۱۳۸۶، ج ۱۷: ۲۰۹). یا درباره ذکر فضایل روزه‌داری و اعمال ماه شعبان به‌عنوان یک مصداق اطاعت و بندگی چنین فرمودند: «کسی که روزه بدارد از شعبان یک روزی از جهت طلب ثواب خدای تعالی، به بهشت رود و کسی که استغفار کند خدای او را در هر روزی از شعبان، هفتاد بار حشر کرده شود در روز قیامت در زمرة رسول الله (صلی الله علیه و آله) و واجب شود از خدای تعالی کرامت برای او، و هر که تصدق کند در شعبان به صدقه و اگر چه یک خرما باشد، حرام گرداند حق تعالی جسد او را بر آتش...» (محدث اربلی، ۱۳۸۲، ج ۳: ۱۲۳؛ نقل از کاوندی و صفورایی پاریزی، ۱۳۹۱: ۱۷۲).

## ۲- تقوا و پرهیزگاری

بر اساس نظر قرآن، نه تنها تقوا عزت‌آفرین است، که خود بزرگترین کرامت و عزت است زیرا تقوا نیرویی روحی، متعالی و مقدس است که منشأ کشش‌ها و گریزهایی می‌شود: کشش به سوی ارزش‌های معنوی و فوق حیوانی و گریز از پستی‌ها و آلودگی‌ها، و نتیجه این دو، مسلط شدن آدمی بر خود است. رسول اکرم اسلام

۱. إن الله يقول كل يوم: أنا ربکم العزیز فمن أراد عز الدارين فليطع العزیز (طبرسی، ۱۴۱۲ق، ج ۲: ۳۶۴).

(صلی الله علیه و آله) فرمود: «هر کس می خواهد باعزت ترین مردم باشد، تقوای الهی پیشه کند» (مجلسی، ج ۷۰: ۲۸۵)؛ لازمه رسیدن به چنین تقوایی، برداشتن دو گام است: نخست، انجام واجبات و دستورات الهی و دوم، ترک حرامها (نقل از: حق پناه، ۱۳۸۱: ۱۴۸).

رجاء بن ابوضحاک که مأمون وی را برای آوردن امام رضا (علیه السلام) مأموریت داده بود، در بخشی از گزارش خود به مأمون می گوید: «من پیوسته از مدینه تا مرو با ایشان بودم. به خدا قسم، کسی را با تقواتر از او در برابر خدا ندیدم و کسی را ندیدم که بیشتر از او در تمام اوقاتش ذکر خدا گوید و ندیدم کسی را که خداترس تر و پارساتر از او باشد.» (مجلسی، ۱۳۸۶، ج ۴۹: ۹۱).

امام رضا (علیه السلام) فرمود: «از سوی خداوند تبارک و تعالی قلم قضا جریان یافته که سعادت و کامیابی برای اهل ایمان و تقواست (حمیری، ۱۴۱۳ق: ۳۵۵).

### ۳. مؤدت و ولایت اهل بیت (علیهم السلام)

خداوند به صورت صریح، پاداش رسالت پیامبر گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله) را «مودة فی القری» معرفی کرده است.<sup>۱</sup> پرواضح است که قبول این ولایت و رهبری همانند نبوت پیامبر (صلی الله علیه و آله) سبب سعادت خود انسان هاست و نتیجه اش به خود آنها بازگشت می کند.

بر پایه اندیشه سیاسی شیعه، امام رضا (علیه السلام) هدایت امر دین و دنیای مردم را وظیفه امامان شیعه (علیهم السلام) می داند. آنان جانشینان رسول خدا (صلی الله علیه و آله) هستند و در هر زمانی امر امامت استوار است و هیچ گاه هستی خالی از حجت نیست. چنان که ایشان در سال ۱۹۴ق از پدرش، از پدرانیش نقل کرده است که رسول خدا (صلی الله علیه و آله) فرمود: مَثَلُ أَهْلِ بَيْتِ مَنْ فِي مِثْلِهَا

۱. ذَلِكَ الَّذِي يُبَشِّرُ اللَّهُ عِبَادَهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى وَمَنْ يَقْتَرِفْ حَسَنَةً نَّزِدْ لَهُ فِيهَا حُسْنًا إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ شَكُورٌ (شوری / ۲۳)

همچون کشتی نوح است؛ هر که آن را سوار شود نجات یابد، و هر که از آن باز ماند در آتش افتد (ابن بابویه، ۱۳۷۳، ج ۲: ۲۷). ایشان در حدیث سلسله‌الذهب، ولایت را شرط اصلی توحید و رستگاری معرفی کردند. به عبارت دیگر، امام (علیه‌السلام) در این حدیث شریف، حاکمیت را متعلق به خدا می‌داند<sup>۱</sup> (عاملی، ۱۴۰۳، ج ۲: ۱۸). نیز در روایتی دیگر می‌فرمایند: امر هدایت مردم به وسیله ما، به امر خدا و برای سعادت بشر و سیر الی‌الله است. بنابراین، ایشان مسئله رهبری امت را به مبدأ اعلی و خداوند پیوند داده است؛ زیرا امامت یک امر الهی است، نه یک امر زمینی و شخصی که مأمون بخواهد مانند لباس به کسی هدیه دهد، یا از کسی بگیرد (همان: ۳۱۷-۳۲۰). به گفته شیخ صدوق، آن را از شروط قرار داده به دلیل اینکه امامت امری است از طرف خداوند و بر همه بندگان واجب‌الاطاعه است (ابن بابویه، ۱۳۷۳، ج ۲: ۲۱۸).

#### ۴. رعایت ارزش‌های اخلاقی

واژه ارزش در لغت به معنای «قیمت»، «بها»، «ارج»، «برازندگی» و «شایستگی» است (دهخدا، ذیل واژه ارزش). در فلسفه اخلاق نیز واژه «اخلاق» مجموعه‌ای از اصول و ارزش‌هایی است که رفتار انسان را تنظیم می‌کند و تعالیم وحی آنها را تعیین فرموده و جهت تحقق هدف وجود انسان در کره خاکی، اصول و ضوابطی را برای آنها قرار داده است (محمود، ۱۹۹۰ م: ۸۵). بر این اساس، اسلام محور اخلاق را بر عزت و تکریم نفس و تطهیر آن از هرگونه آلودگی بنا نهاده و اموری را «ارزش اخلاقی» محسوب کرده که دارای ملاک‌های زیر باشد: ۱. هماهنگی با فطرت الهی ۲. هماهنگی با من برتر (من علوی) ۳. سازگاری و هماهنگی با عاطفه بشری ۴. تجلی اسماء و صفات الهی در انسان ۵. عبودیت و بندگی الهی و درک آن (معلمی، ۱۳۸۴: ۲۲).

در ادامه به‌طور خلاصه به چند مورد از ارزش‌های اخلاقی در سیره امام رضا (علیه‌السلام) که از ملاک‌های فوق نیز برخوردار است، اشاره می‌شود.

۱. کَلِمَةُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ حِصْنِي فَمَنْ قَاتَلَهَا دَخَلَ حِصْنِي وَ مَنْ دَخَلَ حِصْنِي أَمِنَ مِنْ عَذَابِي .. بِشُرُوطِهَا وَ أَنَا مِنْ شُرُوطِهَا

#### ۱-۴ حسن خلق

امام رضا (علیه السلام) می‌فرماید: با سلطان و زمامدار با احتیاط همراهی کن و با دوست با تواضع و فروتنی، و با دشمن در پناه حرز، و با مردم با روی خوش رفتار کن<sup>۱</sup> (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۷۸: ۳۵۶) زیرا اخلاق بد اعمال آدمی را تباه می‌کند، همان‌طور که سرکه غسل را فاسد می‌کند<sup>۲</sup> (استادی، ۱۳۶۵، ج ۲: ۲۹۷). و یا، از بدخویی اجتناب کنید، زیرا شخص بدخو ناگزیر در جهنم جای دارد (شعیری، بی تا: ۱۲۵؛ ابن شعبه، ۱۴۲۴ق: ۲۷۴).

#### ۲-۴ احترام به شخصیت افراد

از امام رضا (علیه السلام) نقل شده: اگر من بالای سر شما ایستادم و شما در حال غذا خوردن بودید، بلند نشوید.<sup>۳</sup> (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۶: ۲۹۸).

آن حضرت ضمن به رسمیت شناختن ساعاتی خاص برای زبردستان، نظم در امور آنان را مد نظر قرار داده و می‌کوشیدند در هنگام استراحت، عبادت یا غذا خوردن غلامان و زبردستان، آنان را به کار نگیرند. (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۴۹: ۱۰۲).

#### ۳-۴ حفظ آبروی دیگران

امام رضا (علیه السلام) می‌فرمایند: کسی که از آبروی بیزی و لطمه زدن به حیثیت مسلمانان خودداری کند، خداوند از لغزش‌های او در روز قیامت گذشت خواهد نمود<sup>۴</sup> (مجلسی، ج ۷۵: ۲۵۶). امام (علیه السلام) هرگاه چیزی را از روی مهربانی می‌بخشید، تلاش می‌کرد مبدا آبرو و شخصیت افراد لکه‌دار شود. از این‌رو، ایشان صدقات خویش را به صورت نهانی ادا می‌کرد و بیشتر در شب‌های تاریک بدین کار مبادرت می‌ورزید (همان، ج ۴۹: ۱۱۵).

۱. إِضْحَبِ السُّلْطَانَ بِالْحَذَرِ، وَ الصَّدِيقَ بِالتَّوَاضُعِ، وَ الْعَدُوَّ بِالتَّحَرُّزِ وَ الْعَامَّةَ بِالْبُشْرِ  
 ۲. وَإِنْ سَوَّ الْخَلْقَ لِيُفْسِدَ الْعَمَلَ كَمَا يُفْسِدُ الْخَلَّ الْعَسَلَ  
 ۳. «إِنَّ فَمْتُ عَلَى رُءُوسِكُمْ وَ أَنْتُمْ تَأْكُلُونَ فَلَا تَقْرَبُوا حَتَّى تَفْرُغُوا»  
 ۴. مَنْ كَفَّ عَنْ أَعْرَاضِ الْمُسْلِمِينَ أَقَالَهُ اللَّهُ عَثْرَتَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ

#### ۴-۴ مدارا با مردم

امام رضا (علیه السلام) می فرمایند: مومن، مؤمن واقعی نیست، مگر آن که سه خصلت در او باشد: سنتی از پروردگارش و سنتی از پیامبرش و سنتی از امامش. اما سنت پروردگارش، پوشاندن راز خود است؛ و اما سنت پیغمبرش، مدارا و نرم رفتاری با مردم است؛ و اما سنت امامش، پس صبر کردن در زمان تنگدستی و پریشان حالی است.» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۳: ۳۳۹).

#### ۴-۵ عفو و گذشت

امام رضا (علیه السلام) در تفسیر آیه کریمه: از گناهان آنها صرف نظر کن و آنها را ببخش؛ بخششی زیبا که حتی توأم با سرزنش نباشد (حجر/ ۸۵)؛ بخشش بدون سرزنش دیگران را برای ما توصیه کردند<sup>۱</sup> (رسولی محلاتی، ۱۳۸۳، ج ۳: ۲۷).

#### ۴-۶ دوری از تکبر

اقتضای کرامت انسانی این است که مردم نباید به دلیل بالا یا پایین بودن جایگاه اجتماعی شان، از امتیاز خاصی بهره مند یا بی بهره باشند. از این رو، هیچ گاه امام رضا (علیه السلام) به غلامان و بردگان خود بد نگفت؛ بلکه هنگامی که سفره انداخته می شد، همه غلامان و خادمان، حتی دربان و میرآخور را بر سفره غذا می نشانید (ابن بابویه، ۱۳۷۳، ج ۲: ۱۸۴).

#### ۴-۷ دوری از بخل و اسراف

یکی از یاران امام هشتم (علیه السلام) می گوید: از امام رضا (علیه السلام) درباره چگونگی تأمین مخارج خانواده جويا شدم. فرمود: «مخارج خانواده، حدّ وسط است

۱. فَاصْفَحِ الصَّفْحَ الْجَمِيلَ

۲. قال الرضا (عليه السلام): في قول الله عزوجل «فاصفح الصّفح الجميل» قال: العفو من غير عتاب؛

میان دو روش ناپسند.» گفتیم: «فدایت شوم، به خدا سوگند! نمی‌دانم این دو روش چیست؟ فرمود: «دو روش ناپسند، اسراف و خست است. آیا نمی‌دانی که خداوند بزرگ، اسراف (زیاده‌روی) و اقتار (خست‌گیری) را ناخوشایند می‌دارد و در قرآن می‌فرماید: «آنان که هرگاه چیزی ببخشند، نه زیاده‌روی می‌کنند و نه خست می‌ورزند و میانگین این دو را در حد قوام برمی‌گزینند.»<sup>۱</sup> (قمی، ۱۳۵۹ق، ج ۲: ۶۲۲). از این کلام امام (علیه‌السلام) بر می‌آید که اسراف و خست ناپسند بوده و میانه‌روی و اعتدال مورد توصیه امام است.

۴-۸ صداقت در گفتار، سکوت پرمعنا، ادای امانت، دوری از جدال بیهوده و تخریب، دیدن همدیگر و صلح رحم ...

در پایان برای نشان دادن گستردگی نظر امام رضا (علیه‌السلام) درباره ارزش‌های اخلاقی و ذکر مصداقی برای موارد بالا، قسمتی از پیام ایشان را که به وسیله حضرت عبدالعظیم حسنی (علیه‌السلام) برای شیعیان فرستادند، می‌آوریم. «ای عبدالعظیم! سلام گرم مرا به دوستانم برسان و به آنان بگو: ... آنان را به راستگویی در گفتار و ادای امانت و سکونت پرمعنا و ترک درگیری و جدال در کارهای بیهوده و بی‌فایده دعوت کن. به صلح‌رحم و رفت و آمد با یکدیگر و رابطه گرم و دوستانه با هم دعوت نما، چرا که این کار باعث تقرب به خدا و به من و به دیگر اولیای اوست. دوستان ما نباید فرصت‌های گرانبهای زندگی و وقت ارزشمند خود را به دشمنی با یکدیگر تلف کنند...»<sup>۲</sup> (مفید، بی‌تا: ۲۴۱).

۱. وَالَّذِينَ إِذَا أَنْفَقُوا لَمْ يُسْرِفُوا وَلَمْ يَقْتُرُوا وَكَانَ بَيْنَ ذَلِكَ قَوَامًا» (فرقان / ۶۷).

۲. یا عبدالعظیم! أبلغ عنی أولیائی السلام و قل لهم: ... و مرهم بالصدق فی الحدیث و أداء الأمانة، و مرهم بالسکوت و ترک الجدال فیما لا ینعینهم، و اقبال بعضهم علی بعض و المزاوره، فان ذلك قریة الی. ولا یشغلوا أنفسهم بتمزیق بعضهم بعضا...



## جلوه‌های کرامت انسان

### الف) دیدگاه روان‌شناسی

ایده کرامت انسان در علوم روان‌شناسی و نگاه معصومین (علیهم‌السلام) بسته به اینکه بر چه عناصری استوار باشد، نتایجی را در قلمرو اخلاق، سیاست و... در پی خواهد داشت. از نظر روان‌شناسان، عزت نفس برای بقا و سلامت روانی انسان حیاتی است. عزت نفس یکی از ملزومات عاطفی زندگی است و بدون آن بسیاری از نیازهای اساسی برآورده نمی‌شود؛ به طوری که در عزت نفس پایین، افراد به دلیل احساس خودبیزاری برانگیخته شده و به صورت پرخاشگرانه نسبت به موقعیت‌ها و افرادی که شایستگی آنها را به چالش می‌کشد، برخورد می‌کنند. همچنین در دنیای بیرونی به رفتارهای بزهکارانه و ضداجتماعی دست می‌زنند (شفیعی و صفاری‌نیا، ۱۳۹۰: ۱۲۵). پس به طور کلی می‌توان گفت که آثار عزت نفس در علوم روان‌شناسی، دارای دو جنبه فردی و اجتماعی است که با هم در تعامل بوده و در تقویت یکدیگر مؤثرند. از لحاظ فردی، عزت نفس موجب پذیرش خود، خودکارآمدی، رشد شخصی، اعتماد به خود و جهت‌گیری اهداف پیشرفت می‌شود و از لحاظ اجتماعی روابط فرد را گسترش داده و مقبولیت و تعالی اجتماعی به ارمغان می‌آورد و نگاه محترمانه دیگران را به سوی فرد جلب می‌کند. پس کسانی که برای خود عزت نفس زیادی قایلند، اساساً به خود اعتماد دارند. چنین حالتی آنها را علاقه‌مند می‌سازد که با تمام وجود به استقبال مسائلی بروند و ابراز وجود کنند. این امر به آنان شجاعت می‌دهد تا در مقابل تهدیدها ایستادگی کنند. چنین افرادی گوشه‌گیر نبوده، انتقاد را می‌پذیرند، ناکامی‌ها را تحمل می‌کنند و از نظر جسمی سالمند.

### ب) دیدگاه امام رضا (علیه السلام)

از منظر اسلام، ویژگی‌های اکتسابی کرامت، جایگاه اجتماعی، سیاسی، دینی و

خانوادگی افراد را بیان می‌کند. اما ویژگی‌های ذاتی مانند انسانیت، جزء ذات انسان است و قابل سلب از وی نیست. از آن روی که انسان دارای کرامت ذاتی است، مؤلفه‌های وابسته به او نیز دارای حرمت است که در عناصری همچون حق حیات، عدالت محوری، آزادی خواهی و عقل گرایی و... ظهور می‌یابد. از دیدگاه اندیشمندان معاصر شیعه، کرامت ذاتی اقتضاء است که با کرامت ارزشی و اکتسابی فعلیت می‌یابد و با فساد و جرم تحت شعاع قرار می‌گیرد، پس هرچند کرامت انسان در اصل قابل انتقال، اسقاط و انفکاک نیست اما با یک تبصره مواجه می‌شود و آن اینکه اگر خود انسان موجبات نقض کرامت را فراهم کند، برخی حقوق از او سلب می‌شود در حالی که در اندیشه غربی کرامت به هیچ وجه قابل اسقاط یا انتقال نیست (میراحمدی و کمالی گوکی، ۱۳۹۳: ۲۲). اکنون باید دید که این معنا از کرامت انسان، چه آثاری را در پی دارد؟

#### ۱. حق حیات:

انسان دارای کرامت ذاتی و شایسته کسب فضایل است و لازمه آن داشتن حق حیات و امنیت شخصی است؛ زیرا این فضایل تنها در صحنه زندگی اجتماعی بروز و ظهور پیدا می‌کند. حق حیات، اساس همه حقوق سیاسی و آزادی‌های مدنی متعاقب آنها از جمله: رهایی از بردگی، شکنجه و بازداشت خودسرانه و نیز حقوق مربوط به محاکمه منصفانه، آزادی بیان و آزادی مسافرت (هجرت) و عدم مداخله در زندگی خصوصی و اصل برائت (بی‌گناه محسوب شدن افراد تا اثبات جرم)، حق ازدواج و تشکیل خانواده و آزادی عقیده و نظایر آنهاست که در مواد سوم تا بیست و یکم اعلامیه حقوق بشر مندرج است (جانسون، ۱۳۷۸: ۹۳ - ۹۱). از نگاه اسلامی و به تبع آن امام رضا (علیه‌السلام) نیز همه این حقوق مبتنی بر اصل کرامت ذاتی انسان است. چون انسان کرامت ذاتی دارد نمی‌توان امنیت او را سلب و از حقوق فردی و اجتماعی محروم کرد، مگر آنکه در دادگاه صالحه‌ای مجرم شناخته شود. از نگاه حکمت الهی، نه تنها کسی حق کشتن دیگری را ندارد، بلکه هیچ کس حق ندارد خودش را نیز بکشد و حق ندارد فرزندان خودش را چه دختر و چه پسر به جهت فقر یا

عصبیت‌های جاهلانه به قتل برساند و موهبت الهی حیات را از خود یا دیگران سلب کند (انعام/۱۵۱) و به خاطر دفاع از حق حیات و سلامت و امنیت افراد جامعه انسانی، اسلام قصاص را مقرر کرده است (یدالله‌پور و مؤدب، ۱۳۹۳: ۸۰).

## ۲. برخورداری از امتیازهای اجتماعی عادلانه:

یکی از لوازم زندگی مبتنی بر کرامت ذاتی انسانی این است که همه انسان‌ها از حقوق عادلانه و مساوی در حیات اجتماعی برخوردار باشند و مردم به شهروند درجه یک و دو تقسیم نشوند و همه در برخورداری از حقوق اجتماعی یکسان شمرده شوند و تبعیض و طبقات اجتماعی و برتری دادن گروهی بر گروه دیگر وجود نداشته باشد. از دیدگاه تفکر قرآنی، خداوند پیامبران را مأمور ساخت تا قوانین عادلانه‌ای برای تنظیم روابط انسان‌ها وضع کنند زیرا «لازمه حفظ کرامت انسانی، رعایت حقوق افراد در اجتماع بشری و تعهدسپاری در عدم تخطی از آن است.» (جوادی آملی، ۱۳۸۴: ۲۸۵).

سیره عملی امام رضا (علیه السلام) نیز گویای اندیشه عدالت‌ورزی ایشان است؛ اندیشه‌ای که عدالت را جزء مؤلفه‌های کرامت انسانی می‌داند و با ستم‌های زمانه خود که منافی کرامت انسانی بودند، مبارزه کردند. بنابراین، نگاه برابری به انسان‌ها ناشی از نگاه کریمانه به انسان‌هاست. به عبارت دیگر، عدالت و کرامت لازم و ملزوم یکدیگرند. چنانچه سیره رفتاری امام رضا (علیه السلام) بر مبنای عدالت‌ورزی و کرامت‌بخشی استوار بود؛ آن حضرت همه خدمتگزاران و غلامان سیاه‌پوست را در سفره‌اش جمع می‌کرد و با آنان غذا می‌خورد بدون اینکه کمترین تبعیضی بین آنان و دیگران قایل شود (فضل‌الله، ۱۳۶۶: ۴۵).

## ۳- حق آزادی:

بحث از حق حریت و آزادی، یکی از مباحث مهم در حقوق اساسی انسان‌هاست. به تعبیر استاد مطهری، روح آزادی و حریت در تمام دستورات اسلام به چشم می‌خورد

(مطهری، ۱۳۷۸: ۴۱). در اسلام، حق آزادی در حدّ حقّ حیات از اهمیت برخوردار است. ظهور کامل آزادی در عزم و اراده و تسلط کامل در افعال است؛ همان‌گونه که مفهوم سیاسی و اجتماعی آزادی؛ یعنی قدرت بر تصرف و تعیین سرنوشت و آزادی بیان و اندیشه و عقیده تا زمانی است که ضرر بر دیگران وارد نکند، یا انجام عملی که به زیان دیگران تمام نشود. از آنجاکه انسان آزاد آفریده شده، نباید برده و اسیر دیگران باشد و در مقابل هیچ کس، جز آفریننده‌ای که حیات را به او عطا کرده، نباید بندگی کند. عبودیت و بندگی او فقط در مقابل خداوند، شایستهٔ انسانیت اوست که این امر نیز بر اساس فطرت او تنظیم شده است (یدالله‌پور و مؤدب، ۱۳۹۳: ۸۲).

سیره و الگوی عملی امام رضا (علیه‌السلام) نیز بیانگر آن است که ایشان، آزادی را موهبت الهی و لازمه کرامت ذاتی انسانی می‌داند. حضرت، انسان را به سبب انسان بودن صرف‌نظر از دین، عقیده و نژاد دارای آزادی و کرامت می‌داند و بر همین اساس اجازه نمی‌دهد که حتی یک فرد ذمی که دینی غیر از اسلام دارد، آزادی فرزندش را با امور مادی و به‌خاطر گرسنگی معاوضه کند و بردگی را برای رفع نیازهای اقتصادی و سلب اختیار جایز نمی‌شمارد (شیخ طوسی، ۱۳۶۴، ج ۷: ۷۷).

#### ۴. عقل‌گرایی:

عقلانیت انسان‌ها به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های اصلی کرامت ذاتی، برای تکامل انسان‌ها نیز ضروری است؛ چنان‌که در قرآن انسان به تعقل و تدبّر دعوت شده و از پیروی کورکورانه نهی شده است. بر اساس روایات امام رضا (علیه‌السلام) انسانی که از نیروی عقل بهرمنند نباشد، اصلاح‌پذیر نخواهد بود و نمی‌توان او را از فحشا و منکرات منع کرد. حضرت اندیشیدن را به‌مانند آینه‌ای می‌داند که خوبی‌ها و بدی‌ها را به انسان نشان می‌دهد (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۷۱: ۳۲۵).

علاوه بر موارد فوق، جلوه‌های بسیاری از کرامت انسان در اسلام و سیره معصومین (علیهم‌السلام) وجود دارد که به‌خاطر گستردگی موضوع به‌طور خلاصه به آنها اشاره

می‌شود. وقتی انسان خود را ارزشمند بداند، از لحاظ جسمانی وجود خویش را امانت خدا می‌داند و در قبال آن مسئولیت دارد (احزاب/۷۲). اطاعت و بندگی خدا را می‌پذیرد چون خود را جزئی از خدا و به سوی خدا می‌داند و دامن خویش را با ناپاکی آلوده نمی‌کند (نمل/۱۵). از لحاظ اقتصادی قناعت پیشه می‌کند و مال دنیا را محل ابتلا و آزمایش الهی می‌شمارد (حدید/۲۰). نگرش کریمانه به تمام انسان‌ها دارد زیرا بر این عقیده است که دیگران در مبدأ و معاد با او مشترکند (تغابن/۲؛ زمر/۶).

### نتیجه‌گیری

آموزه‌های اسلام، انسان را خلیفه برگزیده و مورد ستایش پروردگار معرفی کرده است که با سیطره بر آسمان‌ها و زمین و به‌دوش گرفتن امانت خداوندی، ارزشی بی‌نظیر را در نظام تکوین یافته است. این موجود برگزیده، دارای کرامتی ذاتی است که در میان نوع بشر، در دارا بودن آن تفاوتی نیست؛ اما این انسان‌ها با بهره‌گیری از تقوا و گام‌نهادن در مسیر ایمان و عمل صالح، می‌توانند به گرمی‌ترین درجات (قرب الهی و خلیفه خدا شدن) دست یابند. پس جنس بشر با دمیدن روح الهی شرافت یافته (کرامت ذاتی) که به‌عنوان خلیفه و جانشین حق در روی زمین وظیفه دارد با ابزار علم و عمل به اقامه حق و عدل قیام و در مسیر عبودیت و بندگی و تکامل معنوی و نیل به قرب الهی حرکت کند تا کرامتی که در وجودش به ودیعه نهاده شده به فعلیت برسد و مظهر اسماء الهی گردد (کرامت اکتسابی). رفتار اهل بیت (علیهم‌السلام) به‌ویژه سیره امام رضا (علیه‌السلام) منطبق با قرآن بوده و در عین حال که تمام افراد را در سیره خود تکریم می‌کرد (کرامت ذاتی)، به ارزش تقوا در مسیر عبودیت و تعالی مقام انسانی اهمیت می‌داد (کرامت اکتسابی). پس کرامت نفس در سیره معصومین (علیهم‌السلام) و در اندیشه دینی ناظر به امور معنوی و «خدا محور» است اما در روان‌شناسی، با توجه به اینکه از محیط و تجارب فرد حاصل می‌شود بیشتر ناظر به امور مادی و محیطی و «انسان محور» است.

امام رضا (علیه السلام) با نگرشی خدامحور، تأیید الهی را میزان کرامت انسان معرفی کرده و پس از عامل اصلی تقوا، عامل‌های دیگر، اطاعت و بندگی، مودت و ولایت اهل بیت و رعایت ارزش‌های اخلاقی را در کسب کرامت ارزشمند دانستند. اما روان‌شناسان در تبیین مفهوم عزت نفس، با قایل شدن به ارزشمندی وجودی انسان، هر آنچه را که موجب ارزش و پیشرفت و موفقیت شخص باشد، به‌عنوان ابزار و عامل ارتقای عزت نفس بیان کرده، و در این راستا بیشتر به نقش عوامل محیطی و مادی در افزایش یا کاهش عزت نفس توجه کرده‌اند. در نتیجه، می‌توان گفت در روان‌شناسی به دلیل اینکه عزت نفس از محیط و امکانات مادی حاصل شده، محدود است اما در اسلام و سیره معصومین (علیهم السلام) به دلیل اینکه کرامت انسانی با دمیدن روح الهی در بشر حاصل شده و با تحصیل تقوا و اطاعت از پروردگار به فعلیت می‌رسد، نمی‌توان محدودیتی را برای مراتب کمال انسانی متصور شد. تفاوت دیگری که بین سیره امام رضا (علیه السلام) با روان‌شناسی می‌توان برداشت نمود این است که امام با اولویت‌دادن به روح انسان، رفتارهایی که همسو با فطرت الهی بشر بوده و موجب به‌فعلیت‌رسیدن و کمال معنوی انسان شود را سبب ارتقای کرامت انسان می‌داند، اما روان‌شناسان با بی‌توجهی محض به وجهه روحانی انسان، تنها به منابع قدرت و الگوها در رشد عزت نفس توجه داشته‌اند. تنها نقطه اشتراک دو دیدگاه هم، در پذیرش بی‌قید و شرط انسان‌ها و احترام به تمامی افراد در ارتقای عزت نفس است.

پس زیستن به شیوه اسلامی بیشترین امکان را برای پایبندی به کرامت انسانی در ابعاد و زوایای گوناگون فراهم می‌کند و چون اهل بیت (علیهم السلام) الگوی حسنه کامل اسلامی هستند، جوامع انسانی سخت‌نیازمند شناخت، الگوگیری و پیروی از معارف والای اهل بیت (علیهم السلام) در عرصه‌های مختلف به‌ویژه کرامت انسان هستند.

در پایان، با توجه به نتایج حاصل از پژوهش پیشنهاد می‌شود:

۱. مفهوم کرامت انسانی در سیره معصومین (علیهم السلام) برای جامعه تشریح گردد

تا افراد با شناخت ذات الهی خویش، به خداشناسی برسند.

۲. معیارهای کسب کرامت، با ذکر داستان‌هایی از زندگی ائمه (علیهم‌السلام) در کتاب‌های درسی گنجانده شود.

## منابع و مآخذ

- قرآن کریم.
- ابن بابویه، ابو جعفر محمد بن علی. (۱۳۷۳). *عیون اخبار الرضا (ع)*. ج ۱ و ۲. مترجمان: حمیدرضا مستفید و علی اکبر غفاری. تهران: صدوق.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۸۶ق). *علل الشرایع*. نجف: مکتب حیدریه.
- ابن شعبه، حسن بن علی. (۴۲۴ق). *تحف العقول*. ترجمه صادق حسن زاده. قم: آل علی (ع).
- احمدی، محمدسعید. (۱۳۹۳). «تأثیر مهارت‌های ارتباطی با رویکرد دینی بر عزت نفس و سلامت روانی دانش آموزان». *مجله دانشگاه علوم پزشکی زنجان*، س ۲۲. ش ۹۰. صص: ۲۲-۱۳.
- افتخاری، اصغر؛ اسدی، مهدی. (۱۳۹۲). «کرامت انسان در قرآن کریم و پیامدهای سیاسی و اجتماعی آن». *فصلنامه پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام*، س ۳، ش ۱. صص: ۴۸-۲۹.
- بخشی ارجنکی، بتول؛ شریفی، طیبه و قاسمی پیر بلوطی، محمد. (۱۳۹۴). «بررسی رابطه بهزیستی روان‌شناختی با نگرش دینی، عزت نفس و سرسختی روان‌شناختی با استفاده از مدل‌سازی معادلات ساختاری در بین دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی و دانشگاه دولتی شهرکرد». *مجله مدیریت ارتقای سلامت*. س ۴. ش ۳. صص: ۶۹-۶۰.
- جانسون، گلن. (۱۳۷۸). *اعلامیه جهانی حقوق بشر*. مترجم: محمدجعفر پوینده. تهران: نی.
- جعفری، محمدتقی. (۱۳۷۰). «حق کرامت انسانی». *مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی*. س ۲۱. ش ۲۷. صص: ۹۸-۷۷.
- جلاتیان اکبرنیا، علی؛ محمدی، محمدرضا. (۱۳۹۴). «حرمت و کرامت زن در خانواده از نگاه امام رضا (ع)». *مجله فرهنگ رضوی*. س ۳، ش ۱۲. صص: ۱۳۸-۱۱۹.
- جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۶۶). *کرامت در قرآن*. چاپ دوم. تهران: رجا.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۸۱). *صورت و سیرت انسان در قرآن*. ج ۲. قم: اسراء.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۸۴). *حق و تکلیف در اسلام*. قم: اسراء.
- حق پناه، رضا (۱۳۸۱). «عزت از منظر قرآن و سنت». *مجله الهیات و حقوق*. س ۲. ش ۴ و ۵. صص: ۱۵۴-۱۲۷.
- حمیری، عبدالله بن جعفر. (۱۴۱۳ق). *قرب الاسناد*. قم: مؤسسه آل البیت (ع) لإحياء التراث.
- خورانی، جوادی. (۱۳۸۷). بررسی رابطه بین عزت نفس و متغیرهای دیمگرافیک با سازگاری میان فرهنگی دانشجویان مهاجر عراقی در شهرستان ایوانغرب. *پایان‌نامه کارشناسی ارشد*، دانشگاه آزاد اراک.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد. (۱۴۰۴ق). *معجم مفردات الفاظ القرآن*. تهران: دفتر نشر کتاب.
- رئیسی، زهرا. (۱۳۹۰). *کرامت انسان در اخلاق اسلامی و اخلاق کانت*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه قم، دانشکده الهیات.
- رحیمی نژاد، اسمعیل. (۱۳۹۰). «نگرش اسلامی به کرامت انسانی». *معرفت حقوقی*. س ۱. ش ۲. صص: ۱۱۳-۱۲۶.
- سیدی نیا، سیداکبر. (۱۳۸۶). *اصول و مبانی کرامت انسان*. ج ۴. دومین همایش بین‌المللی امام خمینی و قلمرو دین با تاکید بر کرامت انسانی. تهران: چاپ و نشر عروج.



- سیف، علی اکبر. (۱۳۷۶). روان‌شناسی پرورشی. تهران: آگاه.
- سلیمانی ابهری، هادی؛ سلیمانی ابهری، صدیقه. (۱۳۹۳). «موضع علم و قرآن درباره خودپنداره و حرمت خود و تأثیر آن بر سلامتی». مجله علمی پژوهشی دانشگاه علوم پزشکی زنجان. س ۲۲. ش ۹۰. صص: ۱۲-۱.
- سلیمی زارع، مصطفی؛ قاضی زاده، کاظم. (۱۳۸۶). «کرامت انسان در پرتو قرآن و روایات». مجله بینات. س ۱۴. ش ۱. صص: ۶۸-۹۵.
- سهیلی، هرمز. (۱۳۸۷). رابطه خود شکوفایی با مسئولیت‌پذیری، جایگاه مهار و خلاقیت در بین دانشجویان تحصیلات تکمیلی واحد علوم و تحقیقات اهواز. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهواز.
- شعیری، محمد بن محمد. (بی تا). جامع الاخبار. نجف: مطبعة حیدریه.
- شفیع آبادی، عبدالله. (۱۳۹۲). نظریه‌های مشاوره و روان درمانی. تهران: رشد.
- شفیعی، حسن؛ صفاری نیا، مجید. (۱۳۹۰). «خودشیفتگی، عزت نفس و ابعاد پرخاشگری در نوجوانان». فرهنگ مشاوره و روان درمانی. س ۲. ش ۶. صص: ۱۲۱-۱۴۶.
- شولتز، دوآن پی؛ شولتز، سیدنی ال. (۱۳۹۲). تاریخ روانشناسی نوین. مترجمان: علی اکبر سیف و دیگران. تهران: دوران.
- شیخ طوسی، محمد بن حسن. (۱۳۶۴). تهذیب الاحکام. ج ۷. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- شیهان، ایلین. (۱۳۸۳). عزت نفس. مترجمان: مالک میرهاشمی و مهدی گنجی. تهران: ویرایش.
- صادق پور، طیبه. (۱۳۸۶). «کرامت انسان در قرآن». مجله بینات. س ۱۳. ش ۵۳. صص: ۶۷-۵۱.
- صالحی، حمیدرضا؛ عباسی، محمود. (۱۳۹۰). «کرامت انسانی؛ فصل الخطاب اندیشه‌های دینی و تفکرات اخلاقی». فصلنامه اخلاق پزشکی. س ۵. ش ۱۶. صص: ۷۸-۳۹.
- طبرسی، احمد بن علی. (۱۳۵۲). احتجاج. مترجم: نظام‌الدین احمد غفّارحی مازندرانی. تهران: مرتضوی.
- طبرسی، فضل بن حسن. (۱۳۵۲). تفسیر مجمع البیان. مترجم: احمد بهشتی. قم: مؤسسه انتشارات فراهانی.
- \_\_\_\_\_ (۱۴۱۲ق). جوامع الجامع. ج ۲. قم: حوزه علمیه.
- عاملی، محسن امین. (۱۴۰۳ق). اعیان الشیعه، ج ۲. مترجم: علی حجتی. بیروت: دارالتعارف للمطبوعات.
- علم الهدی، سیدامیرحسین؛ شریفی، علی. (۱۳۹۴). «ارتباطات انسانی در فرهنگ رضوی». مجله فرهنگ رضوی. س ۳. ش ۱۱. صص: ۱۰۷-۷۷.
- فخارطوسی، جواد. (۱۳۸۲). جایگاه کرامت انسان در شریعت. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. مرکز تربیت مدرس دانشگاه قم، دانشکده الهیات و معارف اسلامی.
- فضل‌الله، محمدجواد. (۱۳۶۶). تحلیلی از زندگانی امام رضا(ع). مترجم: صادق عارف. مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی.
- قاضی زاده، کاظم؛ حسینی، سیدحمید. (۱۳۸۶). مبانی کرامت انسان در آموزه‌های امام علی(ع). مجموعه مقالات دومین همایش بین‌المللی امام خمینی و قلمرو دین با تأکید بر کرامت انسانی. ج ۴. تهران: عروج.
- قاضی زاده، کاظم؛ ملکی، یدالله. (۱۳۹۱). «مراتب معنوی و کرامت ذاتی انسان از ره‌آورد قرآن». پژوهش‌های اعتقادی-کلامی. س ۲. ش ۶. صص: ۹۳-۱۱۰.

- قمی، شیخ عباس. (۱۳۵۹ق). سفینه البحار. ج ۲. قم: اسوه.
- کاوندی، زینب؛ صفورایی پاریزی، محمدمهدی. (۱۳۹۱). «عزت نفس؛ احترامی به ملکوت خویشتن». طهورا. س ۵. ش ۱۲. صص: ۱۹۰-۱۶۵.
- کتابچی، محسن. (۱۳۸۷). آیین زندگی از دیدگاه امام رضا (ع). مشهد: الف.
- کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۳۸۸ق). فروع کافی. ج ۴. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- \_\_\_\_\_ . (۱۴۰۷ق). اصول کافی. ج ۳ و ۶. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- گلی زواره قمشه‌ای، غلامرضا. (۱۳۸۷). «مدیریت از دیدگاه امام رضا (ع)». مجله پاسدار اسلام. س ۲۶. ش ۳۱۵. صص: ۲۵-۳۲.
- گنجی، حمزه. (۱۳۹۲). بهداشت روانی. تهران: ارسباران.
- مجلسی، محمدباقر (۱۳۸۶). بحار الأنوار. ج ۱۷ و ۴۹. قم: انتشارات اسلامیه.
- \_\_\_\_\_ . (۱۴۰۳ق). بحار الأنوار. ج ۱۰، ۴۹، ۷۱، ۷۸. بیروت: دار الاحیاء التراث العربی.
- محدث اربلی، علی بن عیسی. (۱۳۸۲). کشف الغمّه. مترجم: علی بن حسین زواره‌ای. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- محمدعلی نژاد، روح‌الله؛ کمالوند، پیمان. (۱۳۹۵). «مفهوم‌شناسی تطبیقی عزت نفس در قرآن و روان‌شناسی انسان‌گرا». فصلنامه فرهنگ مشاوره و روان‌درمانی. س ۷. ش ۲۷. صص: ۱-۳۲.
- محمود، عبدالحلیم. (۱۹۹۰م). فقه الدعوه الی الله. دارالوفاء. الطبعة الاولى.
- معادیخواه، عبدالمجید. (۱۳۸۶). «کرامت از نگاه امام کریمان». مجله آینه پژوهش. ش ۱۰۲. صص: ۲۹-۴.
- معمارزاده، غلامرضا؛ موسی‌خانی، محمد؛ الوانی، سیده‌مهدی و فلسفی، علی. (۱۳۹۴). «ارائه الگوی کرامت انسانی کارکنان در سازمان‌های دولتی ایران». فصلنامه مدیریت نظامی. س ۱۵. ش ۶۰. صص: ۷۶-۳۴.
- مطهری، مرتضی. (۱۳۷۸). پیرامون انقلاب اسلامی. تهران: صدرا.
- معلمی، حسن. (۱۳۸۴). فلسفه اخلاق. ج ۱. قم: انتشارات مرکز جهانی علوم اسلامی.
- مفید، محمد بن محمد. (بی تا). الاختصاص. نجف: حیدریه.
- ملکی، بهنام؛ محمدزاده، حسن؛ سیدعامری، میرحسن و زمانی ثانی، سیدحجت. (۱۳۹۰). «بررسی رابطه عزت نفس و انگیزش پیشرفت در ورزشکاران موفق و ناموفق استان آذربایجان غربی». پژوهش در علوم توانبخشی. س ۷. ش ۱. صص: ۱-۱۰.
- میراحمدی، منصور؛ کمالی‌گوگی، محمد. (۱۳۹۳). «تحلیل مفهوم کرامت انسانی در اندیشه سیاسی شیعه». فصلنامه پژوهش‌های انقلاب اسلامی. س ۳. ش ۱۰. صص: ۵۰-۲۷.
- نورایی، محسن؛ سلیمانی، حدیثه. (۱۳۹۲). «کرامت انسان در سیره امام رضا (ع)». سراج منیر. س ۴. ش ۱۲. صص: ۱۷۹-۱۶۵.
- یدالله پور، بهروز. (۱۳۸۸). «معناشناسی کرامت انسان در قرآن». پژوهش‌نامه علوم و معارف قرآن. س ۲. ش ۲. صص: ۱۴۱-۱۱۹.
- یدالله پور، بهروز؛ مؤدب، سیدرضا. (۱۳۹۳). «کرامت انسان و الزامات آن از منظر قرآن کریم». مطالعات تفسیری.

س ۵. ش ۱۷. صص: ۷۵ - ۹۰.

- Hasanvand, B., & khaledian, M. (2012). The Relationship of Emotional Intelligence with Self-esteem and Academic Progress, *International Journal of Psychology and Behavioral Sciences* 236-231 :(6)2.
- Kata, J. & Joiner, E. (2002). Membership in a devalued social group and emotional well-being: developing a model of personal Self-Esteem. *Collective Self-Esteem and group socialization sex Roles: A Journal of research*, 48-43 :12.
- Kubota Y, Sasaki S. (2005). Aerobic exercise and self-esteem in children. *J Behave Med*, 35-127 :24.
- Pope, A.W. et al . (1988). *Self-esteem enhancement with children and adolescents*. London: pergamon press.
- Teri, R. (2002). Self-Esteem and self-efficacy of college student with disabilities, *College student journal*, 42-34 :18.